

آینة

کیم‌ان

بایسته‌های این اورگ‌گاه

● **حسین شرعتمداری**: درخواست اخیر رئیس قوه قضائیه از رهبر معظم انقلاب که پاسخ مثبت ایشان را به دنبال داشت، قبل از هر تفسیر و تحلیلی نشانه رسیدن به این باور است که جمهوری اسلامی ایران درگیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است و افزایش لجام‌کسیخته قیمت سکه و ارز و گرانی سرسام‌آور کالا و خدمات که تاب و توان از مردم روده و معیشت آنان را به گروگان گرفته است تنها در چارچوب حملات ووششیانه دشمن قابل تعریف است. در این میان سودجویی مفسدان اقتصادی اگرچه انگیزه‌ای پشت برای ورود به این عرصه است ولی هدف نهایی نیست بلکه این جماعت را می‌توان و باید در نقش نظامیان کت‌وشلوارپوش دشمن به ارزیابی نشست. این واقعیت در نخستین بخش از نامه رئیس قوه قضائیه به رهبر معظم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته که باید آن را اولین گام مثبت برای آغاز حمله به پیاده‌نظام دشمن در جنگ اقتصادی پیش‌رو تلقی کرده و به فال نیک گرفت…
مقررات و مقدمات دست‌وپایگر در قوانین جاری کشور، یکی از موانع اصلی در برخورد قاطع و سریع با ترویرست‌های اقتصادی بوده و هست…
پدیرش الزامات FATF تمامی اطلاعات اقتصادی کشورمان را در اختیار دشمن قرار می‌دهد. رسانه‌ها در تمامی جنگ‌ها، از جمله در جنگ اقتصادی نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی دارند و نباید به ستاد عملیات روانی دشمن تبدیل شوند که برخی از آنها شده‌اند!



اجازه رهبری و فرصت دستگاه قضا

● **عباس حاجی‌نجاری**: یکی از محورهای اصلی جنگ روانی دشمن در این عرصه هدف‌گیری نظام قضائی و بی‌اعتبارسازی آن در آذهان مردم و سلب قدرت و توان آن در مقابله با مفاسد و قانون‌شکنی‌هاست که سوگمندانہ باید اذعان کرد که دشمن در این جنگ روانی به هدف رسیده و به رغم تلاش‌هایی که مجموعه دستگاه قضائی کشور برای مقابله با قانون‌شکنی‌ها و مفاسد اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهد، اما برآیند آن جلب اعتماد عمومی نیست. اگرچه همچون سایر دستگاه‌ها وجود برخی عناصر ناسالم در این قوه در ایجاد این نگاه در جامعه مؤثر است… اما به رغم این مشکلات، تردیدی نمی‌توان داشت که عملکرد قاطعانه قوه قضائیه در برخورد با مفاسد و تخلفات می‌تواند آسیب‌های وارده بر چهره نظام اسلامی را در عرصه اجرای عدالت به مطالبه به‌حق مردم است تسریع و اعتماد مردم به دستگاه قضائی و نظام اسلامی را تحکیم بخشد. در این زمینه استجازه اخیر رئیس محترم قوه قضائیه از رهبر معظم انقلاب را فرصتی قدر‌نادر برای دستگاه قضائی کشور می‌توان دانست.

نظرانتقاد

منطقه ممنوعه حمایت از تولید

● روز گذشته وزیر صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد یک امتیاز مالیاتی به بنگاه‌های کوچک و متوسط را داد؛ مالیات ارزش‌افزوده بنگاه‌های کوچک و متوسط حداقل به مدت شش ماه به تعویق بیفتد.
حافظ تاریخی اقتصاد ایران نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های حمایتی در شرایط بحرانی و رکود، رفتاری محبوب در بین سیاست‌مداران است. رفتاری که اغلب، عواقب مابعد آن را در نظر نمی‌گیرند. عده پژوهش‌ها تأکید دارد دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی و چاپ پول بی‌ثوانه منطقه ممنوعه حمایت از تولید است. زیرا انجام آن می‌تواند موجب تشدید تورم و رکود شود. در حالت فعلی که دولت تعهدهای گوناگون دارد و درآمد نفتی دولت عملاً صرف واردات کالاهای اساسی با دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی می‌شود، ثبات در درآمدهای مالیاتی بیش‌ازپیش حیاتی است. محدودیت و فشار به درآمدهای مالیاتی در این حالت می‌تواند خطر کسری بودجه را زنده کند. کسری که می‌تواند چشمداشت دولت به منابع بانک مرکزی را برای جریان به‌دنبال داشته باشد. علاوه بر این باید یک بررسی کارشناسانه صورت گیرد که شرایط فعلی رکودی حاکم بر بنگاه‌های کوچک و متوسط از چه نوعی است.

اقتصاد

کوج کسبه ایرانی به عراق

● جهش نرخ ارز در ایران در کنار سرکوب قیمت‌ها، عملاً باعث شده خرید کالاهای ایرانی در بازار کشورهای مجاور صرفه اقتصادی بالایی پیدا کند. در این وضع از یک سو مسافران کشورهای همسایه به خرید مایحتاج از بازار ایران علاقه‌مند شده‌اند و از سوی دیگر گفته می‌شود برخی کاسبان ایرانی نیز ترجیح داده‌اند کالاهای خود را به عراق بفرستند و در آنجا بساط کسب‌وکار خود را با گشایش مغازه و دفتر علم کنند…
افت ارزش ریال برابر ارزهای بیگانه و هم‌زمان سرکوب قیمت اغلب کالاها در کشور، بیکانه قدرت خرید خارجی‌ها را در بازار ایران نزدیک به ۳۰۰ درصد افزایش داده است. زمانی که دلار سه‌هزارو ۷۰۰ تومان بود یک خارجی برای خرید یک کالای سه‌هزارو ۷۰۰ تومانی در ایران یک دلار می‌پرداخت اما حالا که دلار از مرز ۱۰ هزار تومان هم گذشته، عملاً آن فرد معادل ۳۷ سنت یعنی یک‌سوم دلار برای خرید آن کالای سه‌هزارو ۷۰۰ تومانی می‌پردازد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۳

ایشان افزودند: برخی درخصوص فساد به‌گونه‌ای صحبت می‌کنند که گویا همه نظام فاسد است و ادعای فساد سیستمی و فراگیری می‌کنند؛ درحالی‌که این‌گونه نیست و ما در کشور، مدیران پاک‌ست و مؤمن فراوانی داریم و این‌گونه سخن گفتن، ظلم به این افراد و ظلم به نظام اسلامی است.
مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه در نظام اسلامی حتی تعداد کم افراد فاسد، زیاد است و باید با آنها قاطعانه برخورد شود، گفتند: افراط و تفریط غلط است. برخی در صحبت‌ها و نوشته‌های خود بی‌ملاحظه هستند. نمی‌توان فساد در برخی دستگاه‌ها یا در میان برخی افراد را به کل کشور تعمیم داد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع‌بندی این بخش از سخنان خود، خاطرنشان کردند: راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور اعم از راه‌حل‌های ساختاری و کوتاه‌مدت شناخته شده است و هدف از درخواست برای تشکیل جلسه مشترک سه قوه، یافتن مشترک راه‌حل‌ها با کمک گرفتن از کارشناسان امین است که این کار در حال انجام است.
ایشان افزودند: دستگاه‌های نظارتی وابسته به دستگاه‌های اطلاعاتی، قوه قضائیه و مجلس نیز باید با قدرت و با چشم‌باز در میدان باشند و آحاد مردم مؤمن نیز باید با احساس وظیفه، دراین‌باره نقش ایفا کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه قوای مجریه و مقننه باید راه‌های فساد را ببندند، گفتند: اگر در همین قضایای ارز و سکه، نظارت و دقت و پیگیری لازم انجام می‌گرفت، راه‌های فساد مسدود می‌شد.
ایشان همچنین با توصیه به آحاد مردم برای هوشیاری و عمل با بصیرت در مقابل تحریکات دشمن، افزودند: ملت ایران همواره در مقابل دشمن بصیرت داشته است و همه باید بدانند که دشمن به دنبال سوءاستفاده از نقطه‌ضعف‌ها، بر ضد خود مردم است.

مقام معظم رهبری دستگاه‌های تبلیغاتی اعم از صدواسیم، مطبوعات و وبگاه‌های فضای مجازی را به مراقبت از ایجاد ناامیدی در جامعه، توصیه مؤکد کردند و گفتند: انتقاد اشکالی ندارد اما نباید مردم را ناامید کرد. گاهی در یک روزنامه یا در یک برنامه تلویزیونی و رادیویی، به‌گونه‌ای سخن گفته می‌شود که گویا همه درسته است؛ درحالی‌که این‌گونه نیست.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: ملت ایران و نظام اسلامی، همچنان‌که تابه‌حال از مراحل سختی عبور کرده است، از این مرحله نیز که آسان‌تر از مراحل قبلی است، عبور خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در بخش دوم سخنانشان با اشاره به وقیح‌تر و بی‌ادب‌ترشد مسئولان آمریکایی در ماه‌های اخیر خاطرنشان کردند: آنها قبلاً نیز ادب سیاسی و دیپلماتیک را در حرف‌هایشان رعایت نمی‌کردند اما مسئولان کنونی رژیم آمریکا به‌گونه‌ای وقیح و بی‌شرم و بی‌ادب با دنیا حرف می‌زنند که انگار حیا را کاملاً از آنها گرفته‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری دو جنایت هفته اخیر سعودی‌ها در یمن یعنی بمباران یک بیمارستان و حمله به یک ماشین حامل کودکان یمنی و قتل عام ده‌ها کودک بی‌گناه و بی‌پناه افزودند: وجدان جهان در مقابل این جنایات تکان خورد و دولت‌ها نیز ولو به‌صورت تعارف‌آمیز اظهار

تأسفی کردند اما آمریکایی‌ها به‌جای محکوم‌کردن این فجایع، بی‌شرمانه از روابط راهبردی خود با سعودی‌ها حرف زدند و این سؤال را پیش آوردند که آیا مسئولان آمریکایی واقعا انسان‌اند؟
ایشان جداکردن حدود دو هزار کودک از مادرانشان و زندانی کردن آنها در قفس را به بهانه مهاجربودن این افراد، جنایت بی‌سابقه دیگری خواندند و افزودند: نکته تأمل‌برانگیز این است که آمریکایی‌ها بدون هیچ خجالت و شرمی این اقدامات را در جلوی چشم جهانیان انجام می‌دهند.
مقام معظم رهبری با اشاره به حرف‌های بی‌ادبانه مقامات رژیم آمریکا درباره تحریم، جنگ و مذاکره گفتند: تأکید می‌کنیم جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته آنها مسئله جنگ را صریحاً مطرح نمی‌کنند؛ اما درصددند با اشاره و کنایه، «شیخ جنگ» را ایجاد و بزرگ کنند تا ملت ایران و یا ترسوها را برترسانند.

ایشان در همین زمینه تأکید کردند: جنگی رخ نخواهد داد، چراکه ما مثل گذشته هیچ‌وقت شروع‌کننده جنگ نخواهیم بود و آمریکایی‌ها هم حمله را آغاز نمی‌کنند؛ چون می‌دانند که صددرصد به ضررشان تمام خواهد شد؛ زیرا جمهوری اسلامی و ملت ایران ثابت کرده‌اند به هر مترع‌رضی، ضربه بزرگ‌تری وارد خواهد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ناکامی مفتضحانه و حقارت‌آمیز آمریکایی‌ها در حمله سال ۱۳۵۹ به صحرای طیس افزودند: آنها ممکن است خیلی چیزها را نفهمند؛ اما احتمالاً این‌قدر می‌فهمند که نتیجه تعرض به ایران را تصور و درک کنند.
مقام معظم رهبری در ادامه تبیین طرح‌های آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی و ملت ایران، به بحث پیشنهاد مذاکره پرداختند و افزودند: آنها البته در بی‌موضوع براساس یک بازی و روش پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش سیاسی عمل می‌کنند؛ یک نفر می‌گوید بدون پیش‌شرط، در فکر دیگر پیش‌شرط می‌گذارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: برخلاف تصور عده‌ای در داخل، درخواست آمریکایی‌ها برای مذاکره مسئله جدیدی نیست و در ۴۰ سال اخیر بارها تکرار اما با پاسخ منفی ایران مواجه شده است. حتی ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا که نسبت به فعلی‌ها مقتدرتر بود، در قضیه معروف به مک فارلین، او را مخفیانه برای مذاکره به تهران فرستاد که بعد از ۲۴ساعت بدون نتیجه بازگشت.
مقام معظم رهبری در تبیین استدلال‌های ایران برای مذاکره‌نکردن با آمریکایی‌ها گفتند: آنها برای مذاکره فرمول خاصی دارند که باید آن را درک کرد و سپس به این سؤال پاسخ داد که آیا هیچ آدم عاقلی با این فرمول مذاکره می‌کند؟

ایشان حقیقت مذاکره را در عرف سیاسی «دادوستد» خواندند و خاطرنشان کردند: آمریکایی‌ها در هر مذاکره به پشتوانه قدرت سیاسی، تبلیغاتی و مالی خود تلاش می‌کنند هرگونه مقاومت در مقابل تحقق اهدافشان را ناکام بگذارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تسریم فرمول مذاکره به سبک آمریکایی‌ها افزودند: آنها اولاً اهداف اصلی را کاملاً مشخص می‌کنند. البته همه این اهداف را اعلام نمی‌کنند؛ اما در طول مذاکرات با دبه و چانه‌زنی، همه اهداف را پیگیری می‌کنند. نکته دوم اینکه آمریکایی‌ها از این اهداف اصلی یک قدم عقب

سیاست

مذاکره با آمریکا ممنوع است

نمی‌نشیند.
ایشان افزودند: آمریکایی‌ها در مذاکرات، با الفاظ ظاهر اطمینان‌بخش فقط وعده می‌دهند؛ اما از طرف مقابل امتیازات نقد می‌خواهند و وعده نمی‌پذیرند.

مقام معظم رهبری خاطرنشان کردند: این واقعیت را ما در برجام تجربه کردیم همچنان که در مذاکره با کره‌شمالی هم آمریکایی‌ها همین روش را در پیش گرفته‌اند.

ایشان خاطرنشان کردند: هر جای مذاکره اگر طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع کند، آمریکایی‌ها آنچنان هیاهوی تبلیغاتی و رسانه‌ای در جهان راه می‌اندازند که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد و دچار انفعال می‌شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح آخرین نکته از فرمول مذاکره آمریکایی‌ها افزودند: آنها پس از مذاکرات نیز به راحتی زیر وعده‌ها می‌زنند و به آنها عمل نمی‌کنند.
مقام معظم رهبری پس از بیان این واقعیات یک سؤال اساسی مطرح کردند: به کدام دلیل باید با رژیم زورگوی متقلبی که این‌گونه مذاکره می‌کند، پشت میز گفت‌وگو نشست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برجام را نمونه واضح نتیجه مذاکره با آمریکا برشمردند که البته برخی خطوط قرمز تعیین‌شده در آن رعایت نشد.
ایشان خاطرنشان کردند: با توجه به فرمول آمریکایی‌ها در مذاکره، هر دولتی در جهان با آنها مذاکره کند، دچار مشکل می‌شود مگر جهت‌گیری‌هایش با واشنگتن یکی باشد که البته دولت فعلی آمریکا حتی به اروپایی‌ها هم زور می‌گوید.
مقام معظم رهبری در نوعی جمع‌بندی از این بخش از سخنانشان، افزودند: ما فقط وقتی می‌توانیم وارد بازی خطرناک مذاکره با آمریکا شویم که از لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به اقتدار مورد نظریان برسیم و فشارها و هوجی‌گری‌های او نتوانند در ما تأثیر بگذارند؛ اما درحال‌حاضر مذاکره قطعه به ضرر ما تمام می‌شود و ممنوع است.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: امام راحل عظیم‌الشان هم مذاکره با آمریکا را تا وقتی این رژیم آدم نشود ممنوع کرده بود، ما هم بر همین نکته تأکید می‌کنیم.

ایشان افزودند: حتی اگر به فرض محال قرار بود با آمریکایی‌ها مذاکراهی کنیم قطعاً با دولت فعلی هرگز مذاکره نمی‌کردیم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با بیان نکته‌ای مهم خطاب به همه سیاست‌مداران، دیپلمات‌ها، جوانان پرانگیزه، دانشجویان رشته‌های سیاسی و فعالان عرصه سیاست یادآوری کردند: مذاکره با رژیم زورگو و پرتوقع آمریکا وسیله‌ای برای رفع یا کاهش دشمنی آنها نیست، بلکه باید ازبازی به آمریکاست که با آن می‌تواند بیشتر و بهتر اعمال دشمنی کند و اهداف خود را پی بگیرد.
مقام معظم رهبری تمرکز شیطان بزرگ بر جنگ اقتصادی را ناشی از ناامیدی از جنگ نظامی، سیاسی و امنیتی و حتی جنگ فرهنگی خواندند و افزودند: روشی‌های جوان و پربرتک انقلاب و شکست حوادث و آشوب‌های امنیتی-سیاسی سال ۸۸، نشان‌دهنده شکست و یاس دشمن در این عرصه‌هاست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: البته به توفیق الهی و هوشیاری مسئولان و مردم، آمریکا در جنگ اقتصادی نیز شکست خواهد خورد.

ایشان با اشاره به ترفند و فریب دشمنان در

حرف‌زدن با مردم ایران گفتند: یک عقب‌مانده ذهنی به ملت ایران می‌گوید دولت شما یولتان را در سوریه خرج می‌کند، درحالی‌که رئیس او اذعان کرده که آمریکا هفت تریلیون دلار در منطقه خرج کرده اما هیچ چیزی عایدشان نشده است.

مقام معظم رهبری افزودند: ما به دو کشور دوست، یعنی سوریه و عراق، در مقابل تهدیدات آمریکا و سعودی‌ها کمک کرده‌ایم که این کمک‌ها نوعی مبادله بین دولت‌های دوست است.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایجاد تردید در افکار عمومی نسبت به مواضع نظام را از اهداف مشخص دشمنان ملت ایران برشمردند و افزودند: آنها می‌خواهند با جنگ اقتصادی نارضایتی ایجاد کنند تا شاید این نارضایتی به اغتشاش و ناامنی تبدیل شود.
ایشان با بیان اخبار و اطلاعاتی از پشت صحنه اقدامات آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و سعودی‌ها افزودند: آنها برای ایجاد ناامنی در دی ماه گذشته، چند سال فعالیت کرده بودند، اما ملت با هوشیاری تحسین‌برانگیز، به میدان آمد و زمینه‌سازی‌های چندساله‌انها را به باد داد.

مقام معظم رهبری افزودند: دشمنان سپس به سال ۹۷ دل بستند و برخی مقامات آمریکا گفتند شش ماه دیگر خبرهایی از ایران خواهید شنید، منظور آنها همین حوادث مرداد بود که با وجود هزینه‌های فراوان مالی و سیاسی دشمنان این‌گونه محدود از آب درآمد.
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: مردم با هوش و بصیرت‌اند، البته مشکلات معیشتی و اقتصادی اوقات خیلی از آنها را تلخ کرده اما این ملت زیر بار خواست‌های سیاسی آمریکا و فلان رژیم روسیاه نمی‌رود.
مقام معظم رهبری تأکید کردند: دشمن همان‌گونه که تاکنون ضعیف و ناتوان و شکست‌خورده بوده است، در آینده نیز ناکام خواهد ماند، به شرط اینکه همه بیدار باشیم و با بهریم از ناامیدی به وظایف خود عمل کنیم.
ایشان افزودند: برخی به اسم اینکه طرفدار ضعف‌هاستیم و می‌خواهیم اوضاع را درست کنیم، خودشان ملفت نیستند اما عملاً در چارچوب نقشه دشمن حرف می‌زنند و اقدام می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: آنها که می‌گویند دولت باید برکنار شود، در نقشه دشمن نقش‌آفرین‌اند. دولت باید سر کار بماند و با قدرت، وظایفی خود را در حل مشکلات انجام دهد.

مقام معظم رهبری همچنین به حقوق و تکالیف دولت و مجلس اشاره کردند و افزودند: هر دو قوه باید ضمن برخورداری از حقوق خود، کرامت طرف مقابل را حفظ کنند و سه قوه با هم‌افزایی مشکلات را از پیش ملت بردارند.

ایشان در بیان سخنانشان با اشاره به سخنان امام خمینی (ره) درباره دست قدرت خدا بر سر ملت ایران و نظام اسلامی افزودند: ما هم این دست قدرتمند خدا را احساس می‌کنیم؛ قدرتی که در ایمان ملت متجلی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای سخنانشان با اشاره به فرارپس‌میان ذی‌الحجه، ماه دعا و توسل و تصرع به درگاه الهی، خاصیت ایمان و اتکا به خدا را ایجاد امید، اعتمادبه‌نفس و شکست‌ناپذیری دانستند و خاطرنشان کردند: ملت ایران با برخورداری از این ایمان، ۴۰ سال است که در مقابل قدرت‌های متکبر دنیا با قدرت تمام ایستاده است و باید روزبه‌روز بر این توانایی افزوده شود.

ادامه از صفحه اول

کدام تدبیر؟

اگر کسی بخواهد سرمایه‌گذاری در صنعت یا کشاورزی با برق یا آب کند، آیا تجهیزات خود را باید از بازار آزاد توافقی تهیه کند؟ به قول معروف کل بود به سبزه نیز آراسته شد.
تصمیم‌های اخیر ارزی دولت یک هرج‌ومرج اقتصادی به وجود می‌آورد. البته به نظر می‌رسد در پس پرده این تصمیم رازی نهفته است و آن این است که دولت می‌خواهد حتی‌المقدور ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی را کمتر عرضه کند و برای تأمین کسری بودجه دولت باقیی ارز را اختیارا را به بازار توافقی و آزاد کسبل دهد که کسری بودجه آن تأمین شود و این نه یک تدبیر بلکه یک انحراف است.
فراموش نکنیم امروز ایران نه در اقتصاد آزاد و ریاضتی، بلکه در اقتصاد جنگی قرار دارد. مگر اقتصاد جنگی چیزی جز اعلام جنگ عیان اقتصادی از سوی آمریکا و صهیونیسم است؟ در دوران دفاع مقدس با صادرات روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت و بهای نفت مفت دلار در هر بشکه علاوه بر اداره جنگ و تأمین مایحتاج مردم و تداوم تولید کارخانجات سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و زیربنایی هم انجام شد. چرا با گذشت نزدیک ۴۰ سال این‌همه در تدبیر اقتصادی رو به فقره‌ارفته و جامعه را دچار التهاب می‌کنیم؟

بار دیگر دریای خزر

اما من به عظمت این دریاچه که همواره دریا نامیده می‌شود کاری ندارم، به اینکه قرارداد کشتی‌رانی ۱۹۴۰ برای طرفین مانند حقوق کشورها در دریاهای بین‌المللی ده مایل منطقه انحصاری در نظر گرفته است و آن را بیش‌ازپیش تابع حق بین‌المللی دریاهای قرار می‌دهد نیز کاری ندارم، اما چون در دعای ارضی به تعبیر و تفسیر نمی‌توان استناد کرد و فقط متن صریح و عین کلمات قابل استناد است؛ همین هم با توجه به کنوانسیون و قطع‌نامه‌های ضداستعمار به طرف مقابل حق می‌داد نیز بار این بی‌عدالتی نرود!
همچنان که ایران در مذاکرات منجر به تنظیم قرارداد ۱۹۷۵ شط‌العرب به همین اصل استناد کرد. حال اگر قرار به افزایش دریا باشد، روی کاغذ مشخص کنند چگونه می‌توان دریا را میان ایران و آنها نصف کرد. توضیح آنکه عبارت «متساویا حق کشتی‌رانی دارند» فقط به حق کشتی‌رانی مربوط می‌شود و به معنی مالکیت مساوی دریا نیست.
افغانستان بی‌ساحل هم در دریاهای آزاد متساویا با حق کشتی‌رانی دارد. نگارنده تقسیم دریای خزر میان کشورهای ساحلی براساس حقوق دریاه را درست دانسته و زیاده‌خواهی بیش از آن را کرچه احساسات میهن‌پرستانه ایرانی را برمی‌انگیزد، موجب تداوم خصومت بی‌حاصل زیان‌بخش می‌دام.

یولتان ارزش کارکردن ندارد

شما من را به نامی می‌خوانید جای دیگر به نامی دیگر. وقتی خودم هویت ثابتی ندارم، هرج‌ایک نام خواهم داشت. نمی‌دانم در ترکیه چه نامی خواهم داشت». اما این ماجرا ابعاد حقوقی متفاوتی دارد.
ماده ۹۷۶، اشخاصی که تبعه ایران‌اند را برشمرد و می‌گوید این اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:
۱- کلیه سائینس ایران به‌استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنان مسلم باشد.
۲- کسانی که پدر آنها ایرانی است؛ اعم از اینکه در ایران یا خارج متولد شده باشد.
۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد.
۴- کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولدشده به وجود آیند.
۵- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، به‌وجودآمده و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده‌باشد.
۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند و یا در ماده ۹۷۹ قانون مدنی از تحصیل تابعیت افراد یاد کرده است، ۱۸ سال تمام داشته باشند.
بنح ساع امام از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند و یا در ماده ۹۸۰ از اشخاصی یاد می‌کند که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند که هیئت دولت می‌تواند به آنان تابعیت ایرانی بدهد.
ظاهراً مقررات تابعیت در مورد افغانستان‌ها از روز اول جدی گرفته نشد. نه دولت به فکر آن بود که به حضور و به تزیاید آنان رسمیت ببخشد و نه خود این مهاجران هم رویکردی قانونی به حضور خود در ایران داشتند.
آمارها هم به همین دلیل مختلف است. در برخی پژوهش‌ها از صدها هزار کودک دارای والد افغانستانی یاد می‌شود که در ایران متولد شدند که اگر درباره آموزش ایشان از ابتدا برنامه‌ای وجود داشت، به لحاظ فرهنگ و زبان مشترک امروز از جمعیت انبوهی از جوانان تحصیل‌کرده‌افغانی سخن گفته می‌شد که سفیر فرهنگی کشورمان بودند. از بهترین موقعیتی که جبر زمانه در اختیار ایرانیان گذاشته بود نه اینکه استفاده نشد بلکه با همه هزینه‌هایی که از سکونت طولانی‌مدت مهاجران افغانستانی در ایران ایجاد شد، کمترین بهره به دست آمد و در مواردی هم دشمن‌تراشی بیبوهه صورت گرفت.
برابر آماري که وزارت امور مهاجران افغانستان و نیز وزارت بهداشت آن کشور اخیراً اعلام کرده، تا ۳۷۵ میلیون نفر از مردم افغانستان گرفتار اعتیاد شده‌اند و اخیراً فیلمی مستند از زندگی معتادان در ولایت نیمروز افغانستان را در یکی از شبکه‌ها دیدم که از زندگی فلاکت‌بار معتادان این کشور پرده برداشت و در چرخش دوربین بود که معتادان می‌گفتند برای نخستین بار در ایران معّاد شدند. فرصت حضور اجباری را از دست دادیم که می‌شد به هم‌گیری و هم‌فکری تاریخی تبدیل شود، به دشمنی پنهان تبدیل شد. باز هم یک جمله از همان جملات سرگراگری را که با راننده شخصی به موزه‌ها ام‌ورفت می‌کند و متولد ایران است، تکرار می‌کنم: «دیگر در ایران ماندن صرفه‌ای ندارد».